

اعلام حکم

نظرات

جعفر وفا

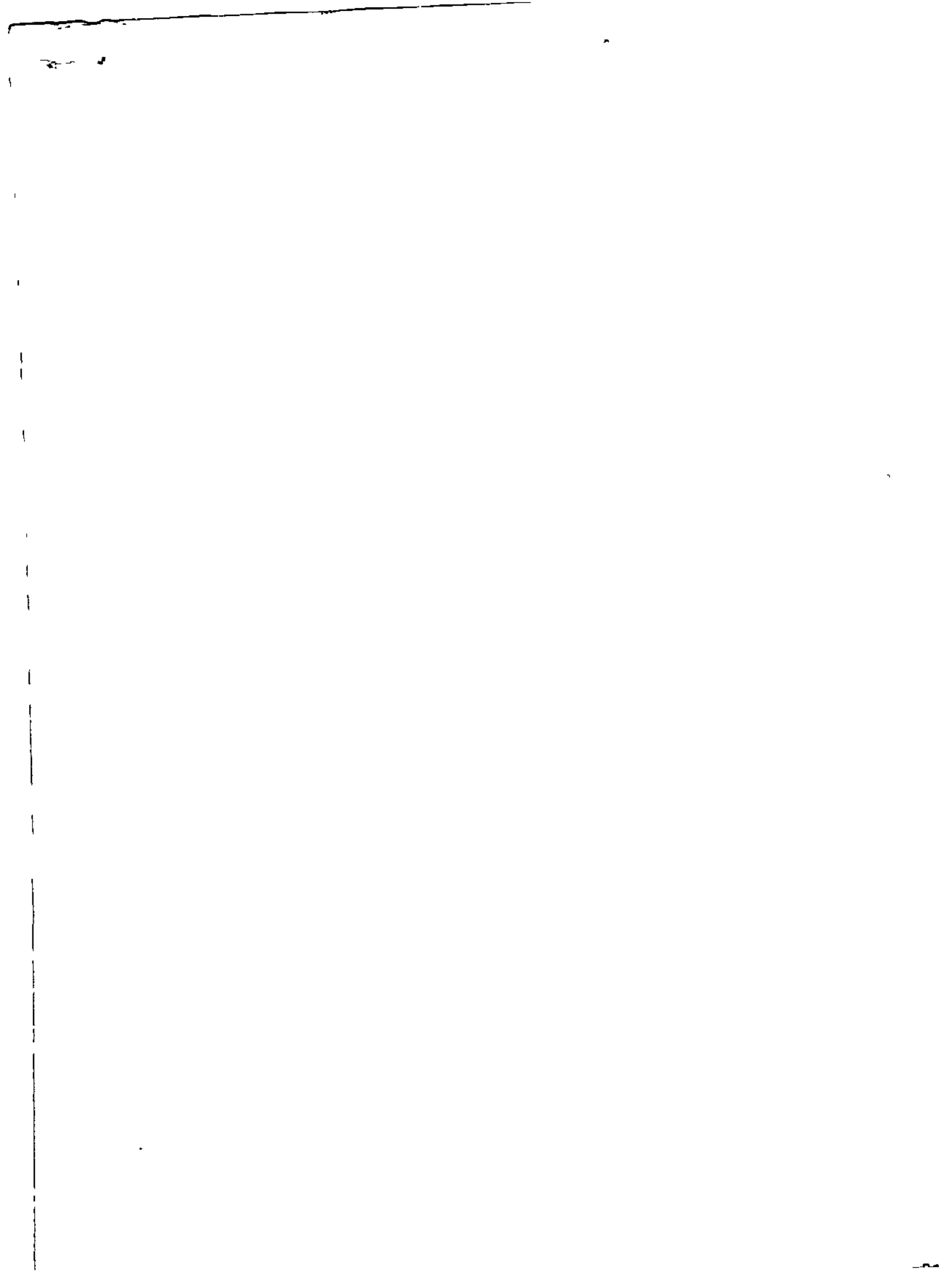
ارتباط و پیوند علی بن ابیطالب علیه السلام با قرآن کریم، حقیقتی روشن و بی نیاز از استدلال است. آیات بسیاری درباره علی (ع) نازل شده است که بزرگان فریقین شیعه و سنی به آن اعتراف کرده اند. همچنین راویان بسیاری از ابن عباس نقل کرده اند که می گوید:

« نَزَلَ فِي عَلِيٍّ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثِمِائَةِ آيَةٍ فِي مَدْحِهِ. »^۱

بیش از سیصد آیه در شأن و مدح علی علیه السلام نازل شده است. این سخن ابن عباس، زمانی ارزش بیشتری می یابد که بدانیم او با فرهنگ وحی آموز بیگانه نبوده بلکه دیر آشنا و نخستین مفسر (غیر معصوم) قرآن بوده است. وی همه عمر خود را در خدمت علی و فرزندان معصومش سپری کرد و تفسیر او همزاد قرآن است و تاکنون حیات تفسیری خود را حفظ کرده است.

بی شک رسول خدا صلی الله علیه وآله پیوند علی با قرآن را بیش از همه و پیش از همه و به صراحت اعلام کرده و فرموده است:





« عَلِيٌّ (ع) مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ (ع) لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ. »^۲
علی (ع) با قرآن است و قرآن با علی (ع). آنها هرگز از هم جدا نشوند تا در حوض کوثر نزد

من آیند.

پیوند و معیت علی با قرآن کریم، فرازمانی است و تا روز قیامت ادامه خواهد داشت، این پیوند در حدیث دیگری از رسول اعظم صلی الله علیه وآله در قالب تمثیل و تشبیه زیبا و پرمحتوایی عنوان شده است:

« يَا عَلِيُّ! مَثَلُكَ مَثَلُ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ... »^۳

ای علی! مثل تو مثل سوره توحید (قل هو الله) است.

یعنی همان طور که سوره توحید در کل قرآن و نسبت به اصول و مبانی دینی نقش محوری دارد و پایه آنها، توحید و اثبات یگانگی خدا است و بدون توحید، خیمه دین استقرار و استحکام نمی یابد. وجود علی (ع) نیز در تعالیم دینی چنین است و بدون اعتقاد به ولایت علی و بدون پذیرش او دیگر آموزه های دینی انسان نیز پا در هوا و بی معنا است.

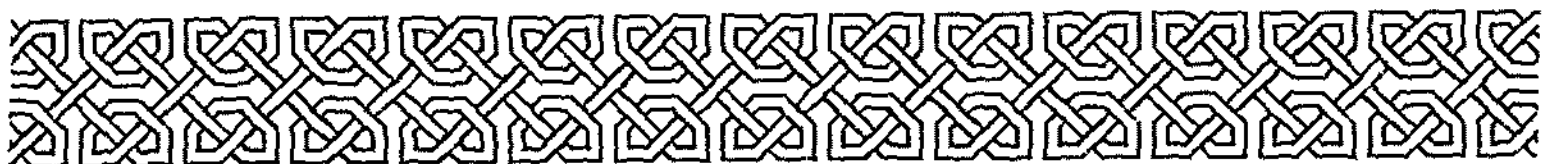
پذیرش آیین اسلام بدون علی (ع)، پذیرفتن قرآن بدون قل هو الله و بدون اصل توحید است. به همین مناسبت در ادامه حدیث شکل و شیوه پیوند مردم با علی دقیقاً همانند ارتباط آنها با سوره توحید مطرح و در سه مرحله تبیین شده است: پیوند قلبی، پیوند زبانی و پیوند عملی.

اگر کسی تنها به پیوند قلبی با علی بسنده کند و او را در دل خود دوست بدارد، به بخشی از قرآن راه یافته، اگر او را در دل و زبان دوست بدارد، به دو سوم آن دست یافته و اگر افزون بر محبت قلبی و زبانی، در عمل هم او را امام و مقتدای خود قرار دهد، به همه قرآن دست یافته است.

علی (ع) از منظر قرآن



پیوند و معیت علی با
قرآن کریم، فرازمانی
است و تا روز قیامت
ادامه خواهد داشت



با نظر به معیت و تقارن انفکاک ناپذیر علی و قرآن کریم است که پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله در حدیث متواتر غدیر، هنگام معرفی تاریخی و مشهور علی بن ابیطالب (ع) فرمود: «... وَ لَنْ يُفَسِّرَ ذَلِكَ لَكُمْ، إِلَّا مَنْ أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ شَامِلٌ بِعَضُدِهِ...»^۴

هیچ کس نمی‌تواند قرآن را برای شما تفسیر کند (حق تبیین قرآن را ادا نخواهد کرد)، مگر کسی که من اکنون دست او را گرفته و بلند کرده‌ام و به شما معرفی می‌کنم...

پیوند علی با قرآن از زبان خودش

افزون بر پیامبر (ص) که رابطه میان امام علی (ع) و قرآن کریم را تبیین نموده، خود امیرالمؤمنین نیز در این موضوع، نظر داده و معیت خود را با کتاب الهی به صراحت بیان کرده است که به ذکر دو نمونه از آن بسنده می‌کنیم:

الف - «سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ، مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا أَنَا أَعْلَمُ بِلَيْلٍ نَزَلَتْ أُمَّ بِنَهَارٍ، أُمَّ فِي سَهْلٍ أُمَّ فِي جَبَلٍ.»^۵

درباره کتاب خدا از من بپرسید، به خدا سوگند! هیچ آیتی نیست مگر آنکه می‌دانم در شب نازل شده یا در روز، در دشت فرود آمده یا در کوه.

این حدیث از طریق اهل سنت وارد شده است. آنها نه تنها می‌کوشند، فضائل امیرالمؤمنین (ع) نهان و ناگفته بماند بلکه تلاش می‌کنند به گونه‌هایی از فضائل او بکاهند؛ ولی با این همه، این حدیث را در منابع نقل کرده‌اند.

این خود بر صحت و درستی آن دلالت مضاعف دارد. اگر این حدیث و ده‌ها حدیث دیگر همانند آن، تنها در منابع شیعه وارد می‌شد، بدخواهان آنها را به جعل و ساختگی متهم کرده و می‌گفتند: محبان علی این احادیث را از روی قصد و غرض و مبالغه‌گویی ساخته‌اند تا به منقبت و جایگاه او بیفزایند.



ب - « اَنَا النَّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ »^٦

من [در مثل] نقطه‌ای هستم زیر [حرف] باء [در بسم الله]؛

شاید مقصود این است از آنجا که حرف باء بدون نقطه، حرف مهمل و بی‌معنا است و «بسم الله الرحمن الرحيم» بدون نقطه باء به چیزی دلالت نمی‌کند، مقام و منزلت من نیز نسبت به قرآن چنین است؛ یعنی بدون اعتقاد به علی، باطن قرآن همچنان مهمل و بی‌معنا خواهد بود، پس علی (ع) قرآن ناطق است و بدون او ایمان به قرآن، کامل نمی‌شود. حذف علی از موضع خود در اعتقادات، به سان حذف نقطه از بسم الله است و دین‌باوری بدون ولایت او ناقص است.^٧ و این همان حقیقت روشنی است که آیه اکمال به آن تصریح می‌کند:

« اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً. » (مائده / ٣)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم.

در پایان این بخش از نوشتار، بی‌مناسبت نیست که به گفتار صادقانه‌ای از بزرگ مفسر اهل سنت امام فخر

رازی اشاره کنیم: او به عنوان عالم معروف و بسیار فاضل اهل سنت، صاحب آثار مختلف علمی، فلسفی، کلامی و تفسیری از جمله تفسیر معروف و بزرگ «مفاتیح الغیب» به صراحت تمام علی بن ابی طالب را «عروة الوثقی» معرفی می‌کند؛ یعنی ریسمان قوی که هر کس به آن چنگ زند به یقین از سیاه‌چال ضلالت نجات یافته، به اوج تعالی می‌رسد. او می‌نویسد:

« مَنْ أَخَذَ عَلِيًّا إِمَامًا لِدِينِهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فِي دِينِهِ وَ نَفْسِهِ. »^٨

هر کس علی را امام خود قرار دهد، به یقین در دین خود و برای نجات نفس خویش، به ریسمانی بس محکم (عروة الوثقی) چنگ زده است.

علی (ع) از منظر قرآن



دسته بندی آیات

آیاتی که در مورد علی(ع) نازل شده بر دو دسته است: آیات اختصاصی و آیات انطباقی.

۱. آیات اختصاصی

مقصود از آن‌ها آیاتی است که تنها در شأن و شخصیت حضرت علی(ع) نازل شده و به غیر او یا خاندان آن حضرت، قابل تعمیم نیست؛ از جمله:

الف - آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.»^۹

سرپرست و ولیّ شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

شأن نزول: ابوذر غفاری - صحابه بزرگ پیامبر(ص) - می‌گویند: روزی با رسول خدا(ص) در مسجد نماز می‌خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی به او نداد، او دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد

رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی جواب مساعد به من نداد، در همین حال علی علیه‌السلام که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله که در حال نماز بود، این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، دست به دعا برداشت و گفت:
خدایا! برادرم موسی(ع) از تو خواست تا شرح صدر به او دهی و برادرش هارون را وزیر او قرار دهی و کارش را آسان سازی. خداوندا! من محمد پیامبر و برگزیده توام، شرح صدر به

علی(ع) از منظر قرآن



علی(ع) قرآن ناطق است
و بدون او ایمان به قرآن،
کامل نمی‌شود



من بده و کارها را بر من آسان کن و علی(ع) را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد.»

هنوز دعای پیامبر(ص) به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر(ص) گفت: بخوان، پیامبر فرمود: چه بخوانم؟ گفت: بخوان.

«إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.»^{۱۰}

در این آیه در مورد سه محور باید بحث شود: تثبیت شأن نزول، پیام آیه و پاسخ به شبهات.
الف - تثبیت شأن نزول: تنها شیعه ادعا نمی‌کند که آیه در شأن حضرت علی(ع) نازل شده بلکه تعداد بسیاری از بزرگان اهل تسنن نیز بر آن تصریح کرده و آن را در منابع معتبر خود نقل کرده‌اند؛ از جمله: «ابن عباس»، «عمار یاسر»، «عبدالله بن سلام»، «سلمه بن کمیل»، «انس به مالک»، «عتبه بن حکیم»، «عبدالله ابی»، «عبدالله بن غالب»، «جابر بن عبدالله انصاری» و «ابوذر غفاری».

مهم‌تر آنکه خود حضرت علی(ع) نیز از راویان این شأن نزول است. در مجموع ۲۴ حدیث از اهل سنت و نوزده حدیث از طریق شیعه در این باره نقل شده است.

با در نظر گرفتن این احادیث، هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که آیه، به یقین در شأن و منزلت علی(ع) نازل شده است.^{۱۱}

مهم‌ترین رسالت این آیه،
اثبات ولایت و امامت
علی(ع) است

پیام آیه: مهم‌ترین رسالت این آیه، اثبات ولایت و امامت علی(ع) است، به این ترتیب که «ولی» در این آیه به معنای سرپرستی، تصرف و رهبری مادی و معنوی است؛ به همین دلیل با حرف حصر «انما» مورد تأکید قرار گرفته است: «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا.»
به یقین که ولایت و سرپرستی شما برعهده خدا و پیامبر او است، همچنین برعهده کسانی است که ایمان آورده‌اند و در حال رکوع زکات می‌دهند، پس سرپرستی و ولایت علی(ع) در



ردیف ولایت پیامبر و ولایت خدا قرار گرفته و هر سه با یک جمله ادا شده است. با این بیان «ولی» در اینجا هرگز به معنای دوست، ناصر و یا ور نیست؛ به دلیل اینکه دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که نماز می‌خوانند و در حال رکوع زکات می‌دهند بلکه یک حکم عمومی است که همه مسلمانان را دربرمی‌گیرد. همچنین دوستی خدا و پیامبر و علی(ع) نیازی به حرف «حصر» و تأکید ندارد، پس معلوم می‌شود که یک مقوله بالاتر از حُب و دوستی علی(ع) مطرح است که نیاز به تأکید دارد. پس این آیه، از آیاتی است که به عنوان یک نصّ قرآنی بر ولایت و امام دلالت می‌کند.^{۱۲}

ب - آیه اکمال

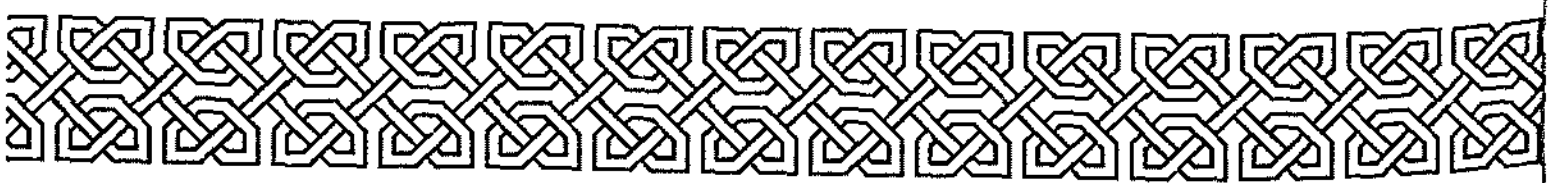
«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا.»
امروز (غدیر) دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم.

حافظ ابوجعفر محمد بن جریر طبری از زید بن ارقم و حافظ ابونعیم اصفهانی از بوسعید خدری (صحابی معروف) نقل کرده‌اند که این آیه در پی معرفی علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر در غدیر خم، در شأن آن حضرت نازل شده است. صاحب‌الغدیر در این باره شانزده حدیث از اهل سنت نقل کرده است.^{۱۳}

علامه سید شرف‌الدین در المراجعات می‌گوید:
نزول این آیه در روز غدیر در روایات صحیحی که از امام باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) نقل شده ذکر گردیده و اهل سنت، شش حدیث با اسناد مختلف از پیامبر(ص) در این زمینه نقل کرده‌اند که صراحت در نزول آیه در این جریان دارد.^{۱۴}

این حدیث قطع نظر از منابع شیعی، بیش از سی طریق از اهل سنت نقل شده است. و همه آنها به نوبه خود تصریح کرده‌اند که در جریان غدیر نازل شده است

علی (ع) از منظر قرآن



ج - آیه تبلیغ

« یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللّٰهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ. »^{۱۵}

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از خطرات احتمالی مردم، نگاه می‌دارد. حافظ ابن مردویه با اسناد خود از ابن مسعود نقل کرده است که ایشان می‌گویند: این آیه (آیه تبلیغ) در روز غدیر خم، در شأن علی بن ابیطالب (ع) نازل شده است. این حدیث قطع نظر از منابع شیعی، بیش از سی طریق از اهل سنت نقل شده است.^{۱۶} و همه آنها به نوبه خود تصریح کرده‌اند که در جریان غدیر نازل شده است.

د - آیه تطهیر

« اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهِلَ الْبَیْتِ وَ یَطْهَرَکُمْ تَطْهِیرًا. »^{۱۷}

خداوند، تنها بر آن است که پلیدی را از شما اهل بیت (ع) دور سازد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. از ام سلمه چنین نقل شده است: پیامبر در خانه من بود که فاطمه علیها السلام با ظرف حریره وارد شد و نزد آن حضرت رفت. پیامبر به او فرمود: «شوهر و فرزندان را بخوان.» آن‌گاه علی و حسن و حسین (ع) نزد ایشان آمدند و حریره خوردند. آن حضرت در بستر خویش روی کسا نشسته بود و من در اتاق خود، نماز می‌خواندم که خدای عزوجل آیه تطهیر را نازل فرمود.

آن حضرت دنباله کسا را برگرفت و بر آن‌ها پوشانید و بعد دست خود را بیرون آورد و به سوی آسمان اشاره کرد و گفت:

« اللّٰهُمَّ هَوِّاْ اَهِلَ بَیْتِیْ وَ عِترَتِیْ فَادْهَبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمُ تَطْهِیرًا؛ خداوندا! اینها

اهل بیت و خواص من هستند؛ پلیدی را از آنان دور کن و پاک و پاکیزه‌شان گردان.»

من سر خود را داخل اتاق کردم و گفتم «یا رسول الله! من هم با شما هستم؟ فرمود: «اِنَّکِ

إلى خير؛ تو عاقبت به خیر هستی [اما در زمرة این گروه نیستی].» ۱۸
نزول این آیه در شأن و منزلت پنج تن آل عبا و اختصاص آن به این بزرگواران در روایات متعددی آمده است.

دانشمند معروف، حاکم حسکانی نیشابوری از علمای اهل سنت، در «شواهد التنزیل» آن را به طرق متعدد از راویان مختلفی گردآوری و بیش از ۱۳۰ حدیث نقل کرده است.
ابو سعید خدری و ابن عباس نیز آن را نقل کرده‌اند و به صراحت گفته‌اند که این آیه درباره همان پنج تن نازل شده است. شکل و شیوه عملی پیامبر در آستانه نزول و بعد از نزول دو شاهد حاضر و دو دلیل قوی بر آن است؛ یکی: جمع کردن آنها زیر عبا و تعیین آنها با اسم اشاره «هولاء» و دوم: تلاوت روزانه آیه مذکور در برابر خانه علی (ع) چنانکه انس بن مالک می‌گوید: «پیامبر اسلام (ص) تا شش ماه برای اقامه صبح از مقابل خانه فاطمه (ع) می‌گذشت و می‌فرمود: ای اهل البیت! وقت نماز است.»

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً.» ۱۹
رسول خدا (ص) با این برخورد، می‌خواست کاملاً افراد اهل بیت (ع) را مشخص کند و بگوید آیه فوق، تنها درباره این گروه است، مبادا کسی مخاطب را در این آیه تمام بیوتات و زنان پیامبر و همه کسانی که جزء خاندان او هستند بداند. افزون بر آنها، خود زنان پیامبر هم، تعمیم آیه را به غیر پنج تن آل عبا مکرر نفی کرده‌اند. اگر واقعاً آیه شامل زنان پیامبر می‌شد، عایشه به یقین آن را نقل می‌کرد و از فضائل و مناقب خود می‌شمرد؛ چون او پیوسته دنبال بازگویی و جمع‌آوری امتیازات خود بود و در نقل فضائل خود و ریزه‌کاری‌های ارتباطش با پیامبر چیزی فروگذار نمی‌کرد و قطعاً آن را لابه‌لای سخنانش و به مناسبت‌هایی بازگو می‌کرد؛ در حالی که هرگز چنین چیزی از او نقل نشده است. ۲۰

هـ - آیه مباهله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. ٢١

هرگاه بعد از علم و دانش که [دربارهٔ مسیح] به تو رسیده [باز] کسانی با توجه محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس دعوت کنیم؛ شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباهله کنیم و لعنت خود را بر دروغگویان قرار دهیم.

هیئتی از نصارای نجران خدمت پیامبر رسیدند و بر تثلیث و اعتقاد به خدای سه گانه اصرار ورزیدند و عیسی مسیح را فرزند خدا خواندند و گفتند: آیا هرگز دیده‌ای که فرزندی بدون پدر متولد شود؟! و سرانجام قرار بر مباهله گذاشتند؛ یعنی

در حق همدیگر نفرین جمعی انجام دهند؛ نفرینی که الساعه مؤثر افتد و با آشکار شدن اثر آن، دروغگویان شناخته و به عذاب خدا گرفتار شوند. ٢٢ در تفسیر دو نکته قابل دقت است:

مباهله، سند زنده‌ای برای عظمت اهل بیت (ع) است

١. دعوت به مباهله یک دلیل روشن بر حقایقیت پیامبر اسلام (ص) است؛ زیرا او با ایمان راسخ و اطمینان از مقبولیت دعای خود دست به چنین مباهله‌ای می‌زند؛ کاری که تا آن روز میان عرب، سابقه نداشت و اگر پیامبر در ادعای خود، محق نبود دست به چنین کاری نمی‌زد.

٢. مباهله، سند زنده‌ای برای عظمت اهل بیت (ع) است؛ زیرا اکثر مفسران شیعه و سنی تصریح کرده‌اند که این آیه در حق اهل بیت پیامبر نازل شده است و پیامبر تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد، فرزندانش امام حسن و امام حسین (ع) و دخترش فاطمه و علی (ع) بودند. جالب این است که از علی (ع) به انفسنا تعبیر می‌کند و او را جان پیامبر (ص) می‌خواند. قاضی

نورالله شوشتری در جلد سوم کتاب نفیس «احقاق الحق» می‌نویسد:

«مفسران در این موضوع اتفاق نظر دارند که «ابنائنا» در آیه فوق، به حسن و حسین (ع) و «نساءنا» به فاطمه (ع) و «انفسنا»، به علی علیه‌السلام اشاره دارد. حدود شصت نفر از مورخان و مفسران اهل سنت تصریح کرده‌اند که این آیه درباره اهل بیت (ع) نازل شده است.^{۲۳} برخی از آنان عبارت‌اند از:



افزون بر اقرار علمای اهل
تسنن بر انطباق آیه مباهله
با علی (ع) توده مردم
نیز از صدر اسلام و زمان
نزول آیه بر این موضوع
واقف بودند

مسلم بن حجاج نیشابوری صاحب «صحیح» معروف که از کتب شش‌گانه مورد اعتماد اهل سنت است.

واحد نیشابوری در کتاب «اسباب النزول».

حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب «دلائل النبوه».

فخر رازی در تفسیر «الکبیر».

طنطاوی در تفسیر «الجواهر».

و دیگران که این موضوع را در کتاب‌های خود بیان کرده‌اند.

افزون بر اقرار علمای اهل تسنن بر انطباق آیه مباهله با علی (ع) توده مردم نیز از صدر اسلام و زمان نزول آیه بر این موضوع واقف بودند و آیه مباهله را یکی از فضائل مسلم علی بن ابیطالب (ع) می‌دانستند و این حقیقت، روشن‌تر از آن بود که در قلوب خود پنهان کنند. نمونه زیر گویای این واقعیت است: در کتاب «غایة المرام» به نقل از صحیح مسلم می‌نویسد:

«روزی معاویه به «سعد بن ابی‌وقاص» گفت: چرا ابوتراب (علی علیه‌السلام) را سب و دشنام نمی‌گویی؟ جواب داد: از آن وقت که به یاد سه چیز که پیامبر (ص) درباره علی (ع) فرمود، افتادم، از این کار صرف نظر کردم... [یکی از آنها این بود که: هنگامی که آیه مباهله نازل شد، پیامبر اکرم (ص) تنها از فاطمه و علی و حسن و حسین دعوت کرد، سپس فرمود: اللهم هؤلاء اهل بیتی؛ خدایا! اینها خاصان من هستند.»^{۲۴}

صاحب تفسیر کشاف (از علمای اهل تسنن) می‌گوید:

«آیه مباهله قوی‌ترین دلیلی است که فضیلت اهل کسا را ثابت می‌کند.»^{۲۵}

مفسران، محدثان و مورخان شیعه نیز عموماً در نزول این آیه درباره اهل بیت و انطباق انفسنا با علی(ع) اتفاق نظر دارند و پیشوایان معصوم(ع) در موارد لازم، به این آیه احتجاج می‌کردند و نزول آن را فضیلت بزرگی بر خاندان علی(ع) می‌دانستند. امام رضا(ع) فرمودند:

«... در حضور پنج تن آل عبا در صحنه مباهله، مزیتی است که هیچ کس در آن بر اهل بیت(ع) پیشی نگرفته، و فضیلتی است که هیچ انسانی به آن نرسیده و شرفی است که قبل از آن هیچ کس از آن برخوردار نبوده است.»^{۲۶}

۲. آیات انطباقی

مقصود از آیات انطباقی، آیاتی است که مفاهیم آنها، عام و دارای مصادیق بسیاری است و علی(ع) به عنوان مصداق بارز و کامل مورد نظر است؛ یعنی این آیات درباره امیر مؤمنان نازل شده است؛ اما نه از باب اختصاص و انحصار، بلکه به عنوان جزئی و انطباق که از بین دهها آیه‌ای که وجود دارد، به برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

الف - آیه «وَدَّ»:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وُدًّا.»^{۲۷}

به یقین کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان، محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.

مقصود این است که خداوند متعال، در دل بندگانش نسلی پس از نسل دیگر برای اهل ایمان و اخلاص محبت و علاقه‌ای ایجاد می‌کند و آن تنها به خاطر فضیلت و اخلاق کریم آنها است.



زَمخسری در تفسیر کشاف، سیوطی در الدر المنثور، محمد بن احمد کلبی در تفسیر «التسهیل» المراغی (یکی از بزرگان الازهر) در تفسیر خود، فیروزآبادی در کتاب فضائل الخمسة به نقل از الرياض النضرة، ج ۲، ص ۲۰۷ می نویسند که این آیه در مورد علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است به این ترتیب که ابن مردویه و دیلمی از بُراء از رسول خدا نقل می کند که به علی (ع) فرمود: بگو:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَاجْعَلْ لِي فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَاءً»

خدایا! در پیش خدا برای من عهد و پیمان و در دل مؤمنان محبتی برایم قرار ده. در این هنگام این آیه نازل شد^{۲۸} و وعده داد که خداوند محبت و جذبۀ علی را در دل های مؤمنان و نسل های آینده قرار خواهد داد.

شیخ محمدجواد مغنیه می نویسد:

«تاریخ و واقعیت محسوس و ملموس، دو شاهدند که به این شأن نزول شهادت می دهند.»^{۲۹}

اگر به تاریخ تشیع بنگرید، به مقاطع خفقان و پراختنای برمی خورید که از در و دیوار آتش و خون می بارید و دشمن قدرتمند و غداره کش شیعیان همانند بنی امیه و بنی عباس، با قتل و کشتار می خواست نام و یاد علی بن ابیطالب در تاریکی تاریخ بماند و برای همیشه فراموش شود. در چنین شرایط خطرناکی، انگشت تاریخ، انسان های وارسته ی را نشان می دهد که حُب علی را در دل پنهان نداشتند، جان در طبق اخلاص نهادند و در محافل عام و خاص، در کوی و برزن و بازار به وصف علی و جایگاه والای او پرداختند و در قالب خطبه، سخنرانی، کتاب، رساله، نثر، شعر، قصه و قصیده، خصائص و زوایای زندگی او را بازگو کردند و از زندان و شکنجه و تبعید و آوارگی و حتی از مرگ و شهادت نهراسیدند. در این موقعیت حساس، چه بسیار از شیعیان دلباخته که در راه حب علی دل از جان شستند و جام شهادت نوشیدند.

اگر هم اکنون در آسمان سرزمین های اسلامی چون: ایران، عراق و لبنان به پرواز درآید، در نقاط مختلف آنها، گنبد های سبز و مناره های سر به فلک کشیده ای می بینید که پیدایش

آنها ریشه در شجره طوبی و نسل طیب و طاهر بزرگ خاندان علی(ع) دارد. آنها نشان از مزار و بارگاه فرزندان علی(ع) می‌دهد که در طول مبارزات شیعه، به شهادت رسیده یا خسته جان به خاک پاک پر کشیده‌اند و روزانه عده‌ی زیادی از مسلمانان، از اطراف عالم در آنجا گرد هم می‌آیند و با زیارت، یاد و نام آنها را زنده و گرمی داشته، ارادت خود را ابراز می‌دارند. همه آنها نه از سر اجبار و اکراه که از روی محبت و علقه قلبی به خاندان علوی است که هر یک شاهد زنده و محبتی است بر تفسیر آیه و مظهري از تحقق پیشگویی قرآن کریم درباره انتقال حُب علی(ع) در جاری تاریخ.

ب - آیه نجم

« وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ. »^{۳۰}

[خداوند] علاماتی قرار داد و [شب هنگام] به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند.
محمد بن یزید از پدرش نقل می‌کند که می‌گوید: از امام محمد باقر(ع) پرسیدم: مقصود از این آیه چیست؟

فرمود: مقصود از نجم و ستاره درخشان، حضرت علی(ع) است^{۳۱} و این تأویل و تفسیر باطنی، هرگز با معنای ظاهری آیه - که همان ستاره مادی آسمانی است - منافاتی ندارد؛ چرا که تفسیر امام(ع) به تفسیر باطنی آیه نظر دارد.

مقصود از نجم و ستاره
درخشان، حضرت
علی(ع) است

حضرت با این تفسیر باطنی آیه و تعیین مصداق کامل هادی خواستند این نکته و تشابه را تبیین کنند که چنانکه در بستر طبیعت و شب هنگام - چه در شرایط گذشته و چه در شرایط کنونی و عصر تکنولوژی - هر یک از ستاره‌های آسمان، حکم قطب‌نما را داشته و دارد که مردم به وسیله آنها، مسیر خود را تعیین می‌کنند و از حیرت

و سرگردانی در صحراها رهایی می‌یابند.

در آسمان معرفت هم مردمان در حیرت و ظلمت و ضلالت می‌مانند و در این شرایط علی بن ابیطالب (ع) چون ستاره می‌درخشد و راه هدایت را بر گمراهان نشان می‌دهد.

ج - آیه هدایت:

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.»^{۳۲}

[خدایا!] ما را به راه راست هدایت فرما.

خیثمه جُغفَی می‌گوید: از امام محمد باقر علیه‌السلام شنیدم که فرمودند:

«نَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ.»^{۳۳}

ما برگزیدگان خدا و راه روشن و شاهراه مستقیم به سوی خدا هستیم.

این حدیث در تأیید این گفتار امام علیه‌السلام است. تفسیر ابن عباس درباره این آیه می‌گوید:

«أَرْشِدُنَا إِلَى حُبِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.»^{۳۴}

خدایا! ما را به دوستی و ارادت محمد و اهل بیت

ارشاد کن.

بی‌تردید هر یک از ائمه علیهم‌السلام، راه روشن

هدایت و نشان‌دهنده راه مستقیم هستند و علی (ع) در

طلیعه آنان قرار دارد و صراط مستقیم همان راه مستقیم علی (ع) است.

د - آیه ابتغاء

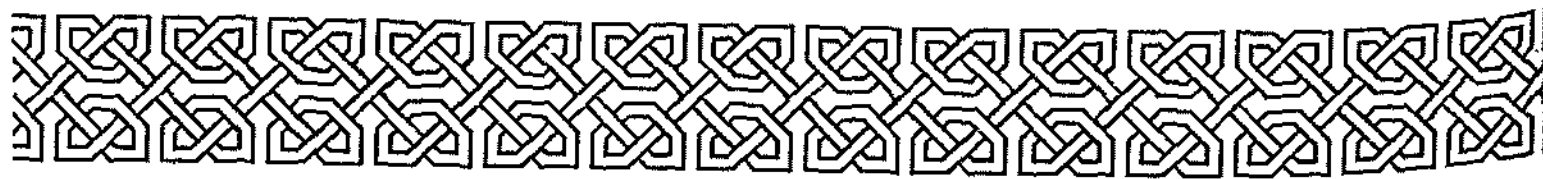
«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ.»^{۳۵}

و بعضی از مردم [با ایمان و فداکار] جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند

نسبت به بندگانش مهربان است.



صراط مستقیم همان راه
مستقیم علی (ع) است



روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی وارد شده که این آیه در «لیلة المبيت» (شب فراش) نازل شده است. تفسیر برهان آن را به پنج طریق از ثعلبی و دیگران از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود:

«این آیه در شأن علی(ع) نازل شده است که در شب هجرت در بستر رسول خدا(ص) خوابید.»^{۳۶}

علامه طباطبائی در تفسیر و تبیین این آیه می فرماید:

«شراء در لغت هم به معنای خریدن و هم به معنای فروختن است؛ در آیه شریفه به معنای فروختن است و تنها با معامله علی(ع) در «لیلة المبيت» قابل انطباق است؛ یعنی علی مصداق بارز و کاملی است که جانش را به بهای خشنودی خدا می فروشد.»^{۳۷}

حقاً که چنین است؛ زیرا وقتی او زمام کار مردم را به دست گرفت، از صمیم دل کوشید تا آرمان‌ها و آرزوهای بلند خود را به تراز تحقق بنشاند و سرانجام نیز جان بر سر آرمان نهاد. اینک پس از گذشت قرن‌ها، ذهن و ذائقه تاریخ از خاطره دل‌انگیز و طعم خوش تجربه حکومت عدالت نمونش تابان و طربناک است.^{۳۸}

علی(ع) از منظر قرآن

هـ - آیه شفع

«والفجر و لیال عشرٍ والشفع والوتر.»^{۳۹}

به سپیده‌دم و به شب‌های دهگانه و به زوج و فرد!

امام صادق(ع) فرمودند:

«والفجر هو القائم واللیالی العشر، الاثمه من الحسن(ع) الی الحسن(ع) والشفع امیر المؤمنین.»^{۴۰}

مقصود از فجر، همان قائم آل محمد صلی الله علیه وآله است و مقصود از شب‌های دهگانه، امامان دهگانه هستند از امام حسن عسکری(ع) تا امام حسن مجتبی(ع) و مقصود از



شفع، علی(ع) است.

این تأویل و تفسیر لطیفی است و منافاتی با گونه‌های دیگر تفسیر ندارد. شب‌های دهگانه همان ائمه دهگانه هستند به اعتبار ظلمی که به آنها رفت و حیات‌شان را تاریک ساخت؛ چون ظلم زمانه زندگی را بر آنان ظلمتکده ساخت در حدی که گویا آنان، شبانه ظهور کردند و شبانه رخت بر بستند و مردم زمانه آنان را نشناختند.

اما علی(ع) گرچه ظلم زیادی بر او رفت و نخستین مظلوم عالم گشت؛ ولی مدتی - هر چند کوتاه - در رأس حکومت قرار گرفت و مردم، گوشه‌هایی از عدل علوی عیان دیدند و شیرینی آن را چشیدند؛ اما امام زمان(ع) صبح صادق و سپیده‌روشنایی است که با ظهورش جهان از ظلمت ظلم و جهل، به سپیده‌ عدل راه می‌یابد.

پی نوشتها:

۱. ینایع المودة، ص ۱۲۶.
۲. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۲۴ - ۱۲۵؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۲۰۸.
۳. نوادر، قطب راوندی، ج ۵، ص ۷۰۱؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۲۱۴.
۴. الغدير، ج ۱، ص ۲۱۵، چاپ چهارم، مطبعة الحيدري، طهران، ۱۳۹۶.
۵. کنز العمال، ج ۲، ص ۲۵۸.
۶. ینایع المودة، قندوزی، ص ۶۹.
۷. علی فی القرآن، سيد صادق شیرازی، ج ۱، ص ۱۱.
۸. مفاتيح الغيب، ج ۱، ص ۲۰۷.
۹. مانده / ۵۵.
۱۰. مجمع البيان، ج ۲، جزء ۶، ص ۱۲۷؛ تفسير نمونه، ج ۴، ص ۴۲۲.
۱۱. ر. ک: تفسير نمونه، ج ۴، ص ۴۲۴ - ۴۲۶؛ المراجعات، شرف الدين، ص ۱۵۵؛ الغدير، ج ۲، ص ۵۳ - ۵۴.
۱۲. تفسير نمونه، ج ۴، ص ۲۴۳ - ۲۴۵.
۱۳. ر. ک: ج ۱، ص ۲۳۰ - ۲۳۷.
۱۴. ر. ک: الغدير، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۲۴؛ تفسير نمونه، ج ۵، ص ۴ - ۱۳.
۱۵. مانده / ۶۷.
۱۶. ر. ک: الغدير، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۲۴؛ تفسير نمونه، ج ۵، ص ۴ - ۱۳.
۱۷. احزاب / ۳۳.
۱۸. مجمع البيان، طبرسي، ج ۸، ص ۳۵۷؛ شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۵۶؛ دانشنامه امام علی به نقل از: المسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۹۳.
۱۹. شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۱۱؛ انساب الاشراف، بلاذري، ج ۱، ص ۲۱۵.
۲۰. ر. ک: تفسير نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۰.
۲۱. آل عمران، ۶۱.
۲۲. ر. ک: تفسير نمونه، ج ۲، ص ۵۷۸ - ۵۸۰.
۲۳. تفسير نمونه، ج ۲، ص ۵۸۳؛ به نقل از: احقاق الحق، چاپ جديد، ص ۴۶.
۲۴. علی فی القرآن، ج ۱، ص ۸۷.
۲۵. تفسير «الكشاف»، ج ۱، ص ۳۷۱.
۲۶. تفسير نمونه؛ ج ۲، ص ۵۸۵؛ به نقل از: نور الثقلين، ج ۱، ص ۳۴۹.
۲۷. مريم / ۹۶.
۲۸. التفسير الكاشف، ج ۵، ص ۲۰۱؛ محمدجواد مغنیه، التفسير المبين، ص ۴۰۵.
۲۹. التفسير المبين، ص ۴۰۵.
۳۰. النحل / ۱۶.
۳۱. علی فی القرآن، ج ۱، ص ۳۵۷.
۳۲. فاتحه الكتاب / ۶.
۳۳. علی فی القرآن، ج ۱، ص ۱۰؛ به نقل از: غايه المرام، ص ۲۴۶.
۳۴. همان.
۳۵. بقره / ۲۰۷.
۳۵. الميزان، ج ۲، ص ۱۴۹.
۳۷. همان.
۳۸. دانشنامه علی (ع) (درآمد)، ص ۱۲.
۳۹. فجر / ۱ - ۳.
۴۰. البرهان، ج ۴، ص ۴۵۷.

منابع

۱. علی فی القرآن، سید صادق شیرازی، دار الصادق بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲، تهران.
۳. الغدير، علامه امینی، دارالکتاب العربی - بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ ق.
۴. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، چاپ دوم، دارالمعارف حیدرآباد، ۱۳۸۴ ق.
۵. مفاتیح الغیب، فخر رازی، چاپ سوم.
۶. مجمع البیان، طبرسی، چاپ جدید، دارالمکتبة الحیاة، بیروت، ۱۳۸۴.
۷. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، تحقیق محمدباقر بهبودی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۸. الکشاف، زمخشری، دارالکتاب العربی - بیروت.
۹. تفسیر نمونه، به نقل از نورالثقلین، ابن جمعة حویزی، تصحیح سید هاشم محلاتی، المطبعة العلمية - قم ۱۳۸۳ ق.
۱۰. التفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه، دارالجواد بیروت، چاپ سوم، ۱۹۸۱ میلادی.
۱۱. التفسیر المبین، محمدجواد مغنیه، دارالکتاب الاسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. المیزان، علامه طباطبائی، مؤسسه الاعلمی - بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ق.
۱۳. دانشنامه امام علی زیر نظر صادقی رشاد (درآمد)، چاپ اول، ۱۳۸۰، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. البرهان، سید هاشم بحرانی، دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۴ ق.

